



شهر در کلام خدا

محمدمهدی فیروزمهر

شهر خدا در کلام خدا

بی‌شک شناختن و شناساندن محبوبترین سرزمین نزد خداوند؛ یعنی مکه و حرم، و برداشتن موانع آگاهی (جهل) از سر راه شناخت؛ چه برای خود و چه برای دیگران، از فضیلت و ارزشی ویژه برخوردار است و برای آگاهی از زوایای مختلف این مکان مقدّس، بیانات گویا و پر محتوای قرآن و و حضرات معصومین علیهم‌السلام بهترین راه است.

اکنون در این نوشته - که ادامه مباحث مربوط به کعبه و مسجدالحرام است و در دو شماره پیشین فصلنامه «میقات حج» آوردیم - سعی شده است با استمداد از آیات قرآن، این سرزمین نورانی، از زوایای مختلف و به سبک و شیوه‌ای خاص معرفی شود و تمام آنچه که در قرآن راجع به مکه مطرح گردیده، تحت عناوین خاص و عبارات کوتاه و با ذکر موارد نیاز از آیات، ارائه شود:

● آداب ورود به مکه

□ شایسته بودن آراستگی و بر طرف ساختن آلودگی‌ها از بدن، جهت ورود به مکه:

(بقره: ۱۲۵)

﴿طَهِّرْهَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْمُكَافِرِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ...﴾



از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: خدای - عز و جل - در کتابش می فرماید: «طَهْرًا نَبِيِّي لِلطَّائِفِيْنَ...»؛ برای بنده (خدا) شایسته است داخل مکه نشود جز در حالی که پاک باشد و عرق و آنچه مایه اذیت و آزار دیگران می شود را شسته و تطهیر کرده باشد. (الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۵۷).

● امنیت مکه

□ سرزمین مکه حرم امن الهی:

- «...وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره: ۱۲۶)
 «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...» (ابراهیم: ۳۵)
 «اِنَّمَا اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا...» (نمل: ۹۱)
 «وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...» (قصص: ۵۷)
 «اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...» (عنكبوت: ۶۷)
 «وَ هَذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ...» (تین: ۳)

□ مکه شهری امن حتی پیش از ظهور اسلام:

- «وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...» (قصص: ۵۷)
 «اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...» (عنكبوت: ۶۷)

□ امنیت همه جانبه و فراوانی رزق و روزی در مکه نشانه عنایت و توجه خاص خداوند به

آن سرزمین:

- «وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِئِيْ اِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِنْ لَدُنَّا...» (قصص: ۵۷)



□ مکه مکانی امن برای مردم جزیره العرب:

- «وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...» (قصص: ۵۷)

□ برقراری امنیت کامل در مکه، به رغم وجود ناامنی و آدم ربایی در اطراف آن، در عصر

جاهلیت:

- «وَ قَالُوا اِنْ تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...» (قصص: ۵۷)

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾. (عنكبوت: ۶۷)

▣ پای بندی مردم جزیره العرب (حتی مجرمان و آدم ربایانشان) به حفظ حرمت و امنیت

شهر مکه:

﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾. (قصص: ۵۷)

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾. (عنكبوت: ۶۷)

برای بنده (خدا) شایسته است داخل مکه نشود جز در حالی که پاک باشد.

▣ شهر مکه مکانی امن حتی برای کافران ساکن آن:

﴿...وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾. (بقره: ۱۲۶)

از اینکه «آمیناً» به طور مطلق آمده و «از رزقِ آهله من الثمرات من آمن منهنهم...» مقید

شده است، بیانگر این است که امنیت در مکه اختصاص به مؤمن ندارد.

▣ مکه، شهر همیشه امن:

﴿وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾. (تین: ۳)

وصف «الأمین» برای «البلد» (مکه) که به معنای «ذوالامن» یا «مأمون فیه» است

علاوه بر اصل امنیت، بیانگر استمرار و دوام آن هم می باشد.

▣ امنیت مکه، نعمت الهی و شایسته شکر و سپاسگزاری:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

يَكْفُرُونَ﴾. (عنكبوت: ۶۷)

نیز نک: ستمگری در مکه.

آثار امنیت مکه

▣ وجود امنیت در مکه عامل تبدیل شدن آن به مرکز اقتصاد و تجارت در جزیره العرب:

﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبْنَ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ

كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا...﴾. (قصص: ۵۷)



ابراهیم ﷺ و امنیت مکه

▣ تبدیل زمین‌های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت درخواست ابراهیم ﷺ از درگاه

خداوند:

﴿...وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا...﴾ (بقره: ۱۲۶)

ظاهر آن است که مشارالیه «هذا» زمین‌های اطراف کعبه باشد.

▣ دعای ابراهیم ﷺ برای امنیت مکه خاطره‌ای شایسته به یاد داشتن:

﴿...وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا...﴾ (بقره: ۱۲۶)

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا...﴾ (ابراهیم: ۳۷)

«وَ إِذْ قَالَ» در اصل «و اذکر اذ قال» است؛ یعنی یادکن هنگامی را که ابراهیم ﷺ

گفت...

▣ اجابت دعای ابراهیم در باره شهر شدن مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن از سوی خداوند:

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَ اَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ

الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاَمْتَعْتُهُ قَلِيْلًا...﴾ (بقره: ۱۲۶)

▣ امنیت و فراوانی نعمت در مکه اموری کارساز در تحقق اهداف ابراهیم ﷺ :

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَ اَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرٰتِ...﴾ (بقره: ۱۲۶)

مطرح شدن امامت ابراهیم ﷺ و مسؤولیت او برای تطهیر کعبه و آماده‌سازی آن

برای پرستش خدا و سپس نقل دعای آن حضرت مبنی بر امنیت شهر مکه و رونق اقتصادی آن، بیانگر برداشت بالا است.

□ دعای ابراهیم علیه السلام برای امنیت شهر مکه:

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾ (ابراهیم: ۳۵)

تفاوت در خواست ابراهیم علیه السلام در این آیه با در خواست حضرت در آیه ۱۲۶ بقره در این است که از ظاهر «هَذَا الْبَلَدَ» استفاده می شود که این در خواست بعد از آن بود که مکه به صورت یک شهر در آمده بود، اما ظاهر «هَذَا بَلَدًا» این است که این درخواست هنگامی بود که مکه هنوز شهر نشده بود.

□ درخواست ابراهیم علیه السلام از خداوند مبنی بر تأمین امنیت مکه با وضع قوانین:

﴿...وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾ (بقره: ۱۲۶)

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾ (ابراهیم: ۳۵)

برداشت بالا مبتنی بر این است که مقصود از «اجْعَلْ» جعل تشریحی باشد؛ چنانکه احکام متعددی در باره امنیت مکه در فقه مطرح شده است.

راز امنیت مکه

□ دعای ابراهیم علیه السلام برای امنیت مکه و اجابت آن از سوی خداوند، علت امنیت آن:

﴿...وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾ (بقره: ۱۲۶)

﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾ (ابراهیم: ۳۵)

□ خواست و تشریح خداوند تضمین کننده امنیت مکه:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ نُعَبِّدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا...﴾ (نمل: ۹۱)

﴿وَ قَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَتَّخِطُّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ تُنْكُنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾ (قصص: ۵۷)

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا...﴾ (عنکبوت: ۶۷)

قریش و امنیت مکه

□ سلب امنیت از پیا مبر علیه السلام در شهر مکه توسط قرشیان:

﴿وَ إِذْ يَمَكُورُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ...﴾ (انفال: ۳۰)

☐ توطئه‌های کافران مکه (حبس، قتل یا تبعید) بر ضد پیامبر ﷺ و نجات یافتن حضرت از آنها، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن:

﴿وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾.
(انفال: ۳۰)

☐ امنیت نداشتن مؤمنان ساکن در مکه از جانب کفار قریش تا قبل از هجرت از مکه به مدینه:

﴿وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ بِتَضَرِّهِ...﴾.
(انفال: ۲۶)

● بنیان‌گذاران مکه

☐ ابراهیم و خانواده او (همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل) بنیان‌گذاران شهر مکه:

﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ... رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾.
(ابراهیم: ۳۵ و ۳۷)

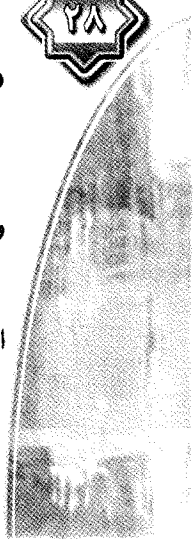
☐ سوگند خداوند به شهر مکه و بنیان‌گذاران آن:

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَ الْوَالِدِ وَ مَا وَآلِدِهِ * (بلد: ۳-۱)
برخی از مفسران گفته‌اند: مقصود از «وَ الْوَالِدِ وَ مَا وَآلِدِهِ»، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام است؛ یعنی چون خداوند به مکه سوگند یاد کرده، به دنبالش به بنیان آن هم سوگند خورده است. (مجمع البیان؛ روح المعانی، ذیل آیه)

● رفاه اقتصادی در مکه

☐ دعای ابراهیم ﷺ برای بهرمندی ساکنان مؤمن مکه از رفاه و محصولات اقتصادی و اجابت آن برای مؤمن و کافر از سوی خداوند:

﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا...﴾.
(بقره: ۱۲۶)



□ سرازیر شدن محصولات اقتصادی به سوی مکه، به رغم لم یزرع بودن آن، شایسته تأمل و تفکر:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾. (ابراهیم: ۳۷)
 ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهَدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. (قصص: ۵۷)

● سابقه تاریخی مکه

□ سفر ابراهیم علیه السلام به همراه همسرش (هاجر) و فرزندش (اسماعیل) به سرزمین مکه:
 ﴿وَ إِذْ قَالَ... رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾. (ابراهیم: ۳۷)
 □ مکه سرزمین بی آب علف و فاقد هرگونه عمران و آبادانی و سکنه در اولین روزهای سفر ابراهیم و خانواده‌اش به آن:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...﴾. (ابراهیم: ۳۷)

□ دعای ابراهیم علیه السلام برای عمران و آبادانی و امنیت شهر مکه:

﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ...﴾. (بقره: ۱۲۶)
 ﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا... رَبَّنَا... فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...﴾. (ابراهیم: ۳۵ و ۳۷)

□ اسکان یافتن شماری از خانواده ابراهیم علیه السلام در مکه، در کنار خانه خدا به هدف ایجاد مرکز اقامه نماز و ایجاد شهر آباد:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...﴾. (ابراهیم: ۳۷)

□ تبدیل شدن مکه به یک مرکز مهم دینی و تجاری برای جزیره العرب:

﴿... لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾. (شوری: ۷)

□ حمله لشکر ابرهه به مکه، به هدف تخریب کعبه و شکست آنان به طرز اعجاز‌آمیز از

مقاطع مهم تاریخی این شهر و شایسته یادآوری و عبرت آموز:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ * وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾.
(فیل: ۵-۱)

■ مکه مرکز تأسیس نخستین و با سابقه‌ترین معبد توحیدی (کعبه) در روی زمین:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...﴾.
(آل عمران: ۳)

● ستمگری در مکه

■ ممنوعیت اکید هر نوع تجاوز و ستم (در حق خود و دیگران) در شهر مکه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.
(حج: ۲۵)

ابو الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره سخن خدای عزوجل: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ» پرسیدم، حضرت فرمود: در سرزمین مکه هر نوع ستمی؛ از قبیل دزدی (و غیر آن) که انسان بر خود یا بر دیگران - حتی اندکی از آن - روا بدارد، من آن را الحاد و انحراف می دانم. (نورالتقلین، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۶۰).

لازم به گفتن است، ستم کردن در هر زمان و در هر مکان، زشت و ممنوع است و در برخی مکانها؛ مانند مکه، که حرم خدا است، زشتی و ممنوعیت آن دوچندان می شود.

■ الحاد و ستم کردن در مکه، در پی دارنده کیفر سخت خداوند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.
(حج: ۲۵)



● فتح مکه

آثار فتح مکه

■ تغییر اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی به نفع پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا * لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لِيَمُنَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا﴾.
(فتح: ۳-۱)

از احتمالات قابل توجه در باره «فَتْحاً مُبِيناً» این است که مقصود از آن فتح مکه است. (مجمع البيان؛ الکشاف، ذیل آیه).

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: چون خدای عزوجل مکه را برای پیامبر صلی الله علیه و آله گشود، به او فرمود: یا محمد «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً». (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰).

█ گسترش فوق العاده آیین اسلام بعد از فتح مکه:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً». (نصر: ۲ و ۱)

اهمیت فتح مکه

█ فتح مکه نقطه عطفی در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و تاریخ اسلام:

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً * لِيُظْهِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطاً مُسْتَقِيماً * وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصراً عَزِيماً». (فتح: ۳-۱)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً». (نصر: ۲ و ۱)

█ فتح مکه فتحی بزرگ و آشکار:

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً». (فتح: ۱)

█ امتنان خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت فتح مکه:

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً». (فتح: ۱)

█ فتح مکه فتحی عظیم و شایسته شکر و سپاسگزاری:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً». (نصر: ۳-۱)

█ قرار داشتن آیین اسلام و مسلمانان در شرایط بحرانی و سخت، تا پیش از فتح مکه:

«...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتَلُوا...». (حدید: ۱۰)

█ فتح مکه معیاری برای ارزیابی و تقسیم انفاقگران و مجاهدان:

«...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتَلُوا...». (حدید: ۱۰)

انفاقگران و جهادگران پیش از فتح مکه دارای درجات برتر و ارزشمندتر نسبت به انفاقگران و جهادگران پس از فتح مکه:

وعدۀ فتح مکه

وعدۀ فتح مکه به پیامبر ﷺ از سوی خدا، قبل از هجرت آن حضرت به مدینه:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾. (بلد: ۲-۱)

برخی مفسران احتمال داده‌اند که «حِلٌّ» مصدر به معنای فاعل (محل) باشد در این صورت در این آیه خداوند به پیامبر ﷺ وعده می‌دهد که در آینده نزدیک روزی فرا می‌رسد که جنگ با کفار و کشتن آنها در شهر امن مکه، برای تو مجاز خواهد شد که در فتح مکه چنین امری اتفاق افتاد. پیامبر ﷺ فرمود: «جنگ و کشتار در شهر مکه» برای احدی پیش از من مجاز نبود و بعد از من هم روا نیست و برای من جز لحظه‌ای از روز (روز فتح مکه) این امر جایز و حلال نشده است. (مجمع البیان ج ۹ و ۱۰، ص ۷۴۷).

وعدۀ خداوند به پیامبر ﷺ در مسیر هجرت از مکه به مدینه، مبنی بر بازگشت فاتحانۀ وی به مکه:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَغَادٍ...﴾. (قصص: ۸۵)

در بارۀ شأن نزول آیه بالا نقل کرده‌اند که پیغمبر ﷺ در هجرت از مکه به مدینه، وقتی به جُحفه رسیدند، مشتاق مکه شدند و دلشان به یاد مکه پرکشید، جبرئیل نازل شد و گفت: آیا شوق شهر و زادگاهت را داری؟ حضرت فرمود: آری. جبرئیل گفت: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ...﴾. (مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۴۲۰).

● قداست مکه

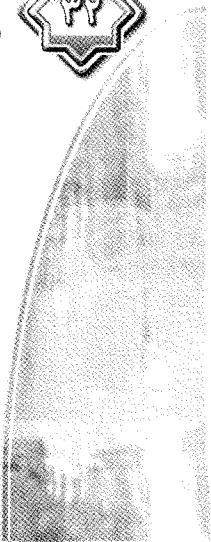
مکه، شهری مقدس و مورد سوگند خداوند:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾. (بلد: ۱)

﴿وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾. (تین: ۳)

مکه مکانی مقدس و مورد احترام، حتی در نزد آدم ربایان عصر جاهلیت:

﴿وَقَالُوا إِن تَبِعَ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَطَّفَ مِنَّا أَرْضُنَا أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾. (قصص: ۵۷)



﴿أَوْلَم يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾

(عنكبوت: ۶۷)

☐ خداوند پروردگار شهر مقدس «مکه» و تنها معبود پیامبر ﷺ:

﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا...﴾. (نمل: ۹۱)

☐ پیامبر ﷺ از سوی خدا مأمور شد که شهر مکه را شهر مقدس و

خدا را پروردگار آن و خود را پرستشگر او (پروردگار شهر مقدس)

معرفی کند:

﴿قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا...﴾. (نمل: ۹۱)

راز قداست مکه

☐ حضور و سکونت انسان کامل و دریافت کننده وحی الهی

(پیامبرگرامی) در مکه، علت قداست و عظمت آن:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾. (بلد: ۱-۲)

☐ وجود با سابقه‌ترین معبد توحیدی (کعبه) در مکه از اسباب

قداست آن:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾. (آل

عمران: ۹۶)

☐ حرمت و قداست مکه، نشأت گرفته از خواست و مشیت

خداوند:

﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا...﴾. (نمل: ۹۱)

قریش و قداست مکه

☐ حرمت شکنی قریش در مکه نسبت به پیامبر اسلام ﷺ:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾. (بلد: ۱-۲)

طبق احتمالی، معنای دو آیه بالا چنین است: به این شهر (مکه)

سوگند نمی خورم؛ چرا که حرمت تو (پیامبر ﷺ) در آن شکسته شده است و این معنا برای این دو آیه، از امام صادق (ع) هم نقل گردیده است. (مجمع البیان، ذیل آیه).

□ اخراج پیامبر ﷺ از شهر مکه توسط کفار قریش:

«أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمْؤَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ...» (توبه: ۱۳)
 «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ...» (توبه: ۴۰)
 «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا» (اسرا: ۷۶)
 «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ...» (محمد: ۱۳)
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ... يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» (ممتحنه: ۱).

● مرکزیت مکه

□ شهر مکه مرکز سرزمین حجاز در آغاز ظهور اسلام:

«وَلِهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...» (انعام: ۹۲)
 «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...» (شوری: ۷)

فلسفه اینکه در قرآن از مکه به امّ القری تعبیر شده، این است که مکه در عصر نزول قرآن و قبل از آن، مرکز مهم دینی و تجاری در جزیره العرب بوده است.

این برداشت بر اساس این احتمال است که مقصود از «حَوْلَهَا» سر زمینهای اطراف مکه و خصوص جزیره العرب باشد.

□ شهر مکه مرکز تمام شهرها و آبادیهای روی زمین:

«وَلِهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...» (انعام: ۹۲)
 «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...» (شوری: ۷)
 بر اساس روایات متعدد، مکان کعبه نخستین نقطه از خشکی بود که از آب ظاهر شد و زمین از این نقطه گسترش پیدا کرد. (مجمع البیان ج ۱ و ۲، ص ۷۹۷، الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، ص ۷۶).

بنا بر این «حَوْلَهَا» می‌تواند اشاره به تمام نقاط زمین باشد. مرحوم علامه طباطبایی فرموده است: این روایات نه مخالف ظاهر قرآن است و نه هیچ برهانی آن را رد کرده است (المیزان، ج ۳، ص ۳۵۶).

☐ شهر مکه مرکز و پایگاه اصلی دعوت و تبلیغ پیامبر اسلام ﷺ:

﴿...لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (انعام: ۹۲)

﴿...لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (شوری: ۷)

☐ مکه مرکز نزول وحی و قرآن و انتشار آن به سایر نقاط جهان:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (انعام: ۹۲)

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (شوری: ۷)

● نام‌ها و اوصاف مکه

☐ ۱. امّ القرى (مادر و مرکز شهرها و آبادیها):

﴿...لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (انعام: ۹۲)

﴿...لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ (شوری: ۷)

فلسفه اینکه در قرآن از مکه به امّ القرى تعبیر شده، این است که مکه در عصر نزول قرآن و قبل از آن، مرکز مهم دینی و تجاری در جزیره العرب بوده است. علاوه بر این، در روایات، کعبه و مکه به عنوان مبدأ گسترش زمین معرفی گردیده است. بنابراین، مکه امّ القرای تمام شهرها و آبادی‌های روی زمین خواهد بود.

☐ ۲. بکّه (محلّ ازدحام):

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...﴾ (آل عمران: ۳)

برخی از مفسران گفته‌اند بکّه نام دیگر شهر مکه است و برخی دیگر گفته‌اند بکّه نام مکان کعبه و محلّ طواف است و مکه نام شهر و اطراف آن (مجمع البیان ج ۱ و ۲ ص ۷۹۸). بکّه از بکّه به معنای ازدحام است. بنا بر این، بکه به معنای محلّ اجتماع و ازدحام خواهد بود (همان ص ۷۹۷) و از آنجا که شهر مکه به سبب وجود کعبه در آن، همواره محلّ حضور و ازدحام زائران است، به آن بکه گفته شده است.

۳. البلد الأمين (شهر همیشه امن):
«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ».

(تین: ۳)

۴. «بلد»، «البلد» و «البلده» (شهر):

(بقره: ۱۲۶)

«...وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...».

(ابراهیم: ۳۵)

«وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...».

(نمل: ۹۱)

«إِنَّا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ...».

(بلد: ۱-۲)

«لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ».

(تین: ۳)

«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ».

۵. حرماً آمناً (حرم امن):

«وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَفَتْنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَأَنْتَ نَمُكِّنُ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...».

(قصص: ۵۷)

«أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَتُتَخَفَتْنَا النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...».

۶. قریه (ده، روستا، آبادی بزرگ که دارای خانه‌های بسیار و... باشد):

(محمد: ۱۳)

«وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ».

۷. معاد (محل بازگشت):

(قصص: ۸۵)

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ...».

مرحوم طبرسی در مجمع البیان (ذیل آیه) از برخی اهل لغت نقل کرده است: راز اینکه به شهر و زادگاه انسان معاد گفته می‌شود، این است که انسان پس از انجام امور خود در شهرها و جای‌های دیگر، به شهر و زادگاه خود برمی‌گردد و لذا به آن معاد گفته می‌شود.

۸. مکه:

(فتح: ۲۴)

«وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ...».

راغب اصفهانی در مفردات آورده است: اشتقاق مکه از «تمککت العظم» به معنای بیرون آوردن مغز از میان استخوان است... و راز اینکه مکه به این نام خوانده شده، این است که: هرکس در آن دست به ستمی بزند، دفع و هلاک می‌شود. و خلیل (لغت شناس



معروف) گفته است: مکه به این نام خوانده شد برای اینکه در وسط زمین قرار گرفته (و اصل آن) است؛ آنگونه که مغز، اصل آن چیزهایی است که در استخوان قرار دارد. (مفردات راغب، ماده مک).

۹. وادی غیر ذی زرع (سرزمین بی آب و علف):

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾. (ابراهیم: ۳۷)

حرم

مقصود از حرم محدوده نسبتاً وسیعی است که مساحت تقریبی آن از چهار سوی کعبه، به اندازه چهار فرسخ شرعی و مجموع مساحت تقریبی آن، شانزده فرسخ مربع می باشد. این محدوده که شامل شهر مکه و مقداری بیش از آن است، طبق روایات اسلامی، توسط ابراهیم خلیل علیه السلام و باراهنمایی جبرئیل علیه السلام تعیین و علامت گذاری شده که به عنوان حرم امن الهی شناخته می شود و دارای احکام و آیین ویژه ای است که بخشی از آن در قرآن و تفصیل آن در روایات بیان شده است.

شهر خدا در کلام خدا

● امنیت حرم

امنیت حرم در عصر جاهلیت

حاکم بودن امنیت کامل در حرم، علی رغم وجود نا امنی و آدم ربایی در اطراف آن، در روزگار جاهلیت:

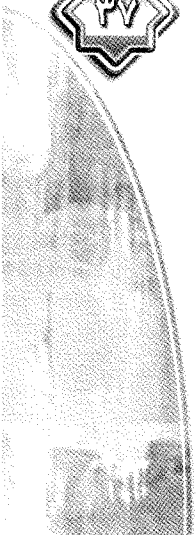
﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾. (قصص: ۵۷)

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾. (عنکبوت: ۶۷)

پای بندی مردم جزیره العرب (حتی مجرمان و آدم ربایانشان) به حفظ حرمت و امنیت

حرم:

﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾. (قصص: ۵۷)



﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾ (عنکبوت: ۶۷)

□ وجود امنیت کامل در حرم، دلیل بی‌مورد بودن احساس ترس مردم عصر بعثت در صورت ایمان آوردن به پیامبر ﷺ و آیین اسلام:

﴿وَقَالُوا إِنَّا تَتَّبِعُ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾ (قصص: ۵۷)

امنیت زائران عارف در حرم

□ ورود به حرم (در صورت معرفت به تمام واجبات الهی) سبب در امان ماندن از عذاب دائم:

﴿... وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾ (آل عمران: ۹۷)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود معنای آیه پیشگفته این است: هرکس با معرفت به تمام واجبات الهی، وارد حرم گردد، از عذاب دائم در امان خواهد بود. (مجمع البیان، ذیل آیه).

امنیت مجرمان در حرم

□ در امان بودن شخص مجرم از تعقیب و اجرای حد، در صورت پناهنده شدن به حرم:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...﴾ (آل عمران: ۹۶)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ... * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

در روایات متعدد به استناد ﴿... وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾ آمده است: اگر شخصی در خارج حرم مرتکب جنایت یا سرقتی شده و به حرم پناه آورد، نباید او را در حرم دستگیر و حد جاری کرد اما می‌توان با ایجاد تحریم اجتماعی و معاملاتی بر او، در حرم، وی را وادار به خروج از آن و سپس دستگیر و حد بر او جاری نمود.

(نک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۱ - ۳۷۰، ح ۲۶۹ - ۲۶۷).

لازم به گفتن است که مرحوم طبرسی در مجمع البیان «مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ» را به کل حرم (به عنوان اقامتگاه ابراهیم خلیل) تفسیر کرده است.

نیز نک: متجاوزان در حرم.



امنیت وحوش در حرم

□ لزوم پرهیز از هر نوع تعرض به پرندگان و حیوانات وحشی پناهنده به حرم:
 ﴿... وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾.
 امام صادق علیه السلام فرمود: ... وحوش و پرندگانی که وارد حرم شدند، از هر نوع حمله و آزار در امان اند تا اینکه از آن بیرون آیند.
 (نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۲۶۷).

هرکس با معرفت به تمام واجبات الهی، وارد حرم گردد، از عذاب دائم در امان خواهد بود.

امنیت امنیت حرم

□ امنیت حرم، از آیات الهی و درخور تأمل و تفکر:
 ﴿أَمْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ قِبَالِ الْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾.
 (عنکبوت: ۶۷)

□ امنیت حرم، نعمت الهی و شایسته شکر و سپاسگزاری:
 ﴿أَمْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ قِبَالِ الْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾.
 (عنکبوت: ۶۷)

منشا امنیت حرم

□ اراده و قوانین الهی، عامل ایجاد امنیت و آرامش در حرم:
 ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَمْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا...﴾. (قصص: ۵۷)
 ﴿أَمْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...﴾. (عنکبوت: ۶۷)

● متجاوزان در حرم

□ شکستن حرمت حرم خدا و تجاوز به حدود الهی و حقوق مردم در آن، موجب سلب امنیت از حرمت شکنان و متجاوزان و مجوز اجرای حدود الهی بر آنان در حرم:
 ﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...﴾.
 (بقره: ۱۹۴)

معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چه می فرماید درباره کسی که در حرم قتل یا سرقت کند؟ حضرت فرمود: برای تحقیر و کوچک کردن او در حرم، بر او حد جاری می شود؛ زیرا او برای حرم حرمتی قائل نشد و خدای تعالی فرمود: «فَمَنْ اَعْتَدَى» و حضرت افزود: این، مربوط به حرم است.... (نک: الحج والعمرة فی الكتاب و السنه، ص ۳۸).

